



اقتصاد جهان در سال ۲۰۱۱

خطر، اقتصاد جهان را تهدید می کند

بهاره صفاری اصفهانی

دورنمای اقتصاد جهان در سال ۲۰۱۱ میلادی چگونه است؟ برخی امید به بهبود دارند و برخی نگران هستند و هشدار می دهند شاید بحران عمیق تری پشت پرده نشانه های مثبت وجود داشته باشد. صندوق بین المللی پول به عنوان یکی از معتبرترین نهادهای بین المللی اقتصادی سرانجام گزارش خود را از چشم انداز اقتصاد جهان منتشر کرد؛ گزارشی که دورنمای آینده را مثبت ارزیابی می کند اما نسبت به خطر بیکاری و تورم بالا هشدار می دهد تا دولت ها این چالش ها را جدی بگیرند و خطر بزرگ تر به نظر صندوق بین المللی پول را باید در قدرت گرفتن قدرت های نوظهور دانست که چند روز پس از انتشار این گزارش موجودیتی جدید پیدا کرد، گروه بریکس! اینها تازه ترین مدعیان در عرصه اقتصاد جهانی هستند؛ رهبران کشورهای هند، روسیه، چین، برزیل و آفریقای جنوبی فروردین امسال در جزیره هاینان چین گروه بریکس را تشکیل دادند و بر سر حضور در سازمان تجارت جهانی، اصلاح ساختار نظام مالی جهان و حتی نفوذ بیشتر این گروه بر شورای امنیت سازمان ملل متحد مذاکره کردند. بریکسی ها در بیانیه پایانی خود تأکید کردند: «ساختار ارزی کنونی جهان نیازهای این کشورها را برآورده نمی کند و اوضاع دلار و کسری بودجه شدید امریکا نگران کننده است و به همین دلیل نظام حاکم بر نهادهای مالی بین المللی باید منعکس کننده تحولات اقتصادی جهان، اقتصادهای نوظهور و کشورهای در حال توسعه باشد».

ماهنامه بازار بین الملل بر مبنای رسالت خویش در ارائه تصویری واقعی از آنچه در جهان اقتصاد رخ می دهد، گزارش ویژه ای از تازه ترین ارزیابی ها و پیش بینی ها از اوضاع اقتصادی جهان را تقدیم می کند.

سرمایه در صورت نیاز، انضباط مالی هوشمندانه که نه آن قدر سریع باشد که رشد را نابود کند و نه آن قدر آهسته که اعتماد را از میان ببرد، طراحی مجدد قوانین مالی و نظارتی و بخصوص در اروپا توجه بیشتر به افزایش توان رشد بالقوه را جدی بگیرند.

پیش بینی می شود تولید ناخالص داخلی واقعی در اقتصادهای پیشرفته و اقتصادهای نوظهور و توسعه یافته به ترتیب در حدود ۲/۵ درصد و ۶/۵ درصد رشد کند و بهبود شرایط مالی پس از بحران جهانی ۲۰۰۸ ادامه یابد، اما وضعیت آن همچنان شکننده خواهد بود. چرا؟ علت این است که در بسیاری از اقتصادهای بازارهای نوظهور، تقاضا بسیار قوی است و رونق بیش از حد یک نگرانی روزافزون برای سیاست گذاران به شمار می رود و اقتصادهای در حال توسعه، بویژه در آفریقای سیاه نیز رشد سریع و باتثباتی دارند. اما نباید از خطرات پیش رو غفلت کرد؛ خطراتی چون:

۱. افزایش قیمت های غذا و کالاها تهدیدی است در برابر خانوارهای فقیر، بویژه در خاورمیانه و

است و شوک های عرضه نیز وجود دارد. این افزایش قیمت کالاها یادآور رکود تورمی دهه ۱۹۷۰ میلادی است اما به نظر نمی رسد که این وضعیت بتواند روند احیای اقتصادی جهان را مخدوش کند.

این اقتصاددانان برجسته و مشاور ارشد صندوق در مقدمه گزارش می نویسند: نگرانی هایی که در ابتدا از تعمیق رکود وجود داشت - که البته ما آن را از ابتدا هم باور نمی کردیم - رنگ واقعیت به خود نگرفته است. نگرانی اولیه این بود که در اقتصادهای پیشرفته، پس از یک دور بهبود موقتی در اثر چرخه موجودی انبار و محرک های مالی، رشد اقتصادی جهان از نفس خواهد افتاد اما اکنون چرخه موجودی انبار به پایان رسیده و محرک های مالی هم جای خود را به ریاضت مالی داده اند، اما تقاضای خصوصی تا حد زیادی تقویت شده است و ترس و نگرانی بیشتر به قیمت کالاها منتقل شده که نشان دهنده رشد نیرومند تقاضا در کنار شوک های عرضه ای است.

توصیه می شود اقتصادهای پیشرفته، شفافیت بیشتر ترانزنامه های بانکی و تغییر فوری ترکیب

رشد اقتصادی هنوز مثبت است، اما

گزارش جدید صندوق بین المللی پول چه چیزی را نشان می دهد؟ اینکه روند اقتصاد جهان مثبت است و رشد اقتصادی ۵ درصدی دنیا در سال ۲۰۱۰، امسال با کاهشی اندک به میزان ۴/۴ درصد حفظ می شود اما خطر بیکاری بالا و احتمال تشدید تورم در کشورهای نوظهور را باید جدی گرفت. قدرت احیای اقتصادی جهان در حال افزایش است و رشد اقتصادی جهان در سال های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ به ترتیب ۴/۴ درصد و ۴/۵ درصد برآورد می شود. در یک برآورد کلی صندوق به این نتیجه می رسد که «با توجه به بهبود وضعیت بازارهای مالی، فعالیت زیاد بسیاری از اقتصادهای نوظهور و در حال توسعه، و افزایش اعتماد به اقتصادهای پیشرفته، چشم انداز اقتصادی جهان در سال های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ خوب است». پس نگرانی صندوق چیست؟ خطر توقف عرضه نفت! البته اولیور بلانچارد، اقتصاددان ارشد صندوق بین المللی پول می گوید: «هراس ها متوجه قیمت کالاها شده و قیمت کالاها بیش از انتظار افزایش یافته است و این مسئله بازتاب دهنده وضعیتی است که در آن رشد تقاضا قوی

جدول یک- بازنگری پیش‌بینی‌های چشم‌انداز اقتصاد جهانی (درصد تغییر) آوریل ۲۰۱۱

تفاوت با پیش‌بینی‌های چشم‌انداز ۲۰۱۰	پیش‌بینی‌ها		عملکرد		
	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۰	۲۰۰۹	
۰/۰	۰/۰	۴/۵	۵/۰	-۰/۵	تولید جهانی
۰/۱	-۰/۱	۳/۶	۲/۴	-۳/۴	اقتصادهای پیشرفته
۰/۲	-۰/۲	۲/۹	۲/۸	-۲/۶	ایالات متحده
۰/۱	۰/۱	۱/۸	۱/۶	-۴/۱	منطقه یورو
۰/۱	۱/۳	۲/۱	۲/۵	-۴/۷	آلمان
۰/۰	۰/۰	۱/۸	۱/۶	-۲/۵	فرانسه
۰/۰	۰/۱	۱/۳	۱/۱	-۵/۲	ایتالیا
۰/۱	۰/۲	۱/۶	۰/۸	-۳/۷	اسپانیا
۰/۳	-۰/۲	۲/۱	۱/۴	-۶/۳	ژاپن
۰/۰	-۰/۳	۲/۳	۱/۷	-۴/۹	انگلستان
-۰/۱	۰/۵	۲/۶	۲/۸	-۲/۵	کانادا
۰/۱	۰/۱	۳/۸	۳/۹	-۱/۲	دیگر اقتصادهای پیشرفته
۰/۲	۰/۲	۴/۵	۴/۹	-۰/۸	اقتصادهای آسیایی تازه صنعتی‌شده
۰/۰	۰/۰	۶/۵	۶/۵	۷/۳	اقتصادهای نوظهور و در حال توسعه
۰/۰	۰/۱	۴/۰	۳/۷	-۶/۳	اروپای شرقی و مرکزی
۰/۱	۰/۳	۴/۷	۵/۰	-۶/۴	کشورهای مستقل مشترک‌المنافع
۰/۱	۰/۳	۴/۵	۴/۸	-۷/۸	روسیه
-۰/۱	۰/۴	۵/۱	۵/۵	-۳/۱	به جز روسیه
۰/۰	۰/۰	۸/۴	۸/۴	۹/۵	کشورهای در حال توسعه آسیایی
۰/۰	۰/۰	۹/۵	۹/۶	۱۰/۳	چین
-۰/۲	-۰/۲	۷/۸	۸/۲	۱۰/۴	هند
۰/۰	-۰/۱	۵/۷	۵/۴	۶/۹	آسه‌ان
۰/۱	۰/۴	۴/۲	۴/۷	-۱/۷	امریکای لاتین و کارائیب
۰/۰	۰/۰	۴/۱	۴/۵	-۰/۶	برزیل
-۰/۱	۰/۴	۴/۰	۴/۶	-۶/۱	مکزیک
-۰/۵	-۰/۵	۴/۲	۳/۱	۴/۸	خاورمیانه و شمال آفریقا

۲. قیمت نفت به دلیل نآرامی‌های سیاسی در خاورمیانه افزایش زیادی داشته است و اگر چه وقفه در عرضه نفت تنها تأثیرات ملایمی بر فعالیت‌های اقتصادی داشته است، با توجه به کاهش ظرفیت مازاد تولید نفت، خطر همچنان فزاینده است.

۳. اگر چه زلزله و سونامی ژاپن تلفات انسانی وحشتناکی بر جای گذاشت، تأثیر آن بر اقتصاد کلان جهان محدود خواهد بود.

البته چالش‌های پیش رو تنها به موارد یادشده ختم نمی‌شود چرا که بسیاری از چالش‌های قدیمی هنوز بدون پاسخ مانده و چالش‌های جدید در حال شکل‌گیری هستند و در اقتصادهای پیشرفته، بویژه در برخی کشورهای منطقه ضعیف شدن ترازنامه تجارت خارجی و تضعیف بازار مسکن همچنان پابرجاست. از این رو، تقویت احیای اقتصادی در اقتصادهای پیشرفته نیازمند پایین نگه داشتن نرخ بهره‌هاست، زیرا فشار دستمزدها، انتظارات تورمی بالا و پایین بودن اعتبارات بانک‌ها وجود دارد، پس باید طرح‌های ایجاد ثبات و اصلاحات، عملی شود که البته تقویت قوانین مالی و مؤسسات مالی و اعتباری می‌تواند به بهبود اوضاع کمک کند، بویژه برای ایالات متحده بسیار حیاتی است که بتواند با خطرات تغییرات بازارهای اوراق قرضه مقابله کند و اقدامی قابل توجه در کنترل کسری بودجه خود در میان‌مدت ایجاد کند و اصلاح نظام تأمین اجتماعی و مالیاتی را در اولویت قرار دهد؛ ژاپن هم باید اولویت فوری‌اش را به بازسازی‌های پس از زلزله و سونامی اختصاص دهد و هزینه‌های بازسازی را با یک استراتژی پولی شفاف پی بگیرد و میزان بدهی‌های دولتی‌اش را در میان‌مدت کاهش دهد. اما در منطقه یورو به رغم پیشرفت‌های قابل ملاحظه، بازارها هنوز تحت فشار قرار دارند و ضرورت دارد بودجه کم‌هزینه و قابل انعطاف را به اجرا گذارند و بانک‌های منطقه یورو به اعتماد بیشتری نیاز دارند.

نوظهورها؛ بهتر شده‌اند، اما...

اوضاع اقتصادی قدرت‌های نوظهور چگونه است و آینده این قدرت‌ها چگونه پیش‌بینی می‌شود؟ صندوق بین‌المللی پول گزارش می‌دهد، نه تنها اقتصادهای نوظهور از بحران اخیر زخمی ندیده‌اند بلکه جایگاه مالی و بودجه آنها محکم‌تر شده و به رشد اقتصادی بالا هم دست یافته‌اند و صادرات آسان‌تر را تجربه کرده‌اند و خروج سرمایه‌ها، جای خودش را به ورود سرمایه داده است. دلیل آن روشن است، چشم‌انداز رشد اقتصادی، جذابیت سرمایه‌گذاری در این قدرت‌ها را بیشتر کرده است.

اما این نیمه خالی لیوان اوضاع اقتصادی قدرت‌های نوظهور است چرا که این کشورها با چالشی متفاوت نسبت به قدرت‌های پیشرفته مواجه هستند چرا که سران این کشورها برای جلوگیری از خطرات آینده سیاست‌هایی را برای پر کردن شکاف بین تولید بالقوه و بالفعل در پیش گرفته‌اند. رفتار آنها نشان می‌دهد ممکن است دو

واکنش مشخص را به چالش‌های احتمالی نشان دهد؛ نخست، ترکیبی از سیاست‌های مطوف به انضباط مالی و نرخ بهره بالاتر برای باقی ماندن تولید در سطح کنونی و دوم، بهره گرفتن از ابزارهای احتیاطی کلان -مثل کنترل‌های سرمایه‌ای در مواقع لزوم- برای جلوگیری از افزایش ریسک ناشی از سرمایه‌های ورودی.

توصیه صندوق بین‌المللی پول این است که همان پیشنهادهای سال قبل را جدی‌تر بگیرند و برای آنکه روند بهبود اقتصاد جهان باقی بماند، از یک سو اقتصادهای پیشرفته، انضباط مالی بیشتری به خرج دهد و بر تقاضای صادراتی تکیه کنند و برعکس اقتصادهای نوظهور باید کمتر بر تقاضای صادراتی پافشاری کنند و به تقاضای داخلی خود دل ببندند و تقویت پول اقتصادهای نوظهور نسبت به اقتصادهای پیشرفته کلید موفقیت محسوب می‌شود، پس همکاری قدرت‌های اقتصادی پیشرفته و قدرت‌های نوظهور برای زنده نگه داشتن اقتصاد جهان ضروری است.

۴ پیشنهاد به قدرت‌های اقتصادی دنیا

کارشناسان صندوق بین‌المللی پول ۴ پیشنهاد و یا

بهرتر است بگویم توصیه، برای تقویت روند رو به بهبود اقتصاد جهان دارند:

۱. برای اقتصادهایی که مازاد خارجی دارند، بویژه آنها که ارزش پول ملی‌شان را به صورت تصنیعی پایین نگه می‌دارند و البته مشکلات بودجه‌ای ندارند، حذف انباشت پولی و افزایش ارزش پول برای حفظ تراز داخلی ضروری دارد تا جلوی تورم و رشد افسارگسیخته اعتبارات گرفته شود که اجرای این سیاست پیشنهادی، بازگشت توازن به عرصه تقاضای جهانی را تقویت می‌کند.

۲. برای اقتصادهایی که کسری تراز خارجی دارند، ضروری است سیاست‌های مالی و پولی انقباضی در پیش گیرند؛ البته در کوتاه‌مدت ممکن است اجرای این سیاست باعث افزایش جهش نرخ ارز شود.

۳. برای برخی دیگر از اقتصادهایی که کسری یا مازاد دارند، رشد سریع اعتبارات و قیمت دارایی‌ها می‌تواند تهدیدی برای ثبات مالی باشد، پس پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران این کشورها، سازوکارهای حفظ ثبات را اجرایی کنند و به نظام‌های مالی‌شان قابلیت برگشت‌پذیری بیشتری

بخشند

۴. بسیاری از اقتصادهای نوظهور و در حال توسعه باید برنامه‌های دقیق و هدف‌گذاری شده برای رسیدگی به فقر داشته باشند تا از افزایش قیمت مواد غذایی بیش از این آسیب نبینند.

بیکاری و تورم؛ تهدیدهای تکران‌کننده

صندوق بین‌المللی پول می‌گوید: بیکاری همچنان بالاست، هر چند نرخ بیکاری معمولاً با تأخیر به بهبود اقتصاد جهان واکنش نشان می‌دهد؛ از این رو، در بیشتر اقتصادهای پیشرفته، بویژه ایالات متحده و منطقه یورو، رشد اقتصادی ناچیز است. در مقابل، بسیاری از اقتصادهای نوظهور و در حال توسعه رشد خوبی داشته‌اند و بیکاری اندکی نیز دارند. البته نباید فراموش کرد که ممکن است نرخ بیکاری در بین جوانان جویای کار در این کشورها ناگهان افزایش یابد چرا که از هم‌اکنون نشانه‌های کمبود ظرفیت تولید و مشکلات تغذیه‌ای و اجتماعی دیده می‌شود.

چالش بیکاری را چگونه باید دید؟ صندوق می‌گوید: در کل روند رشد اقتصادی آن قدر قوی نیست که تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر بیکاری بالا بگذارد، چرا که ۲۰۵ میلیون نفر در جهان بیکارند که نسبت به سال ۲۰۰۷، ۳۰ درصد افزایش نشان می‌دهد و افزایش بیکاری، بویژه در اقتصادهای پیشرفته خیلی شدید برآورد شده است. تورم هم چالشی دیگر است، چرا که قیمت کالاها بار دیگر به دلایل ساختاری و همچنین چرخه‌های اقتصادی بسرعت رو به افزایش که یک دلیل این گرانی است، به تغییر الگوی مصرف در اقتصادهای نوظهور و تقاضای بزرگ آنها برای مواد غذایی و مواد خنک برمی‌گردد، به گونه‌ای که از اواسط ۲۰۱۰ تا فوریه ۲۰۱۱ شاخص قیمت کالایی صندوق بین‌المللی پول ۳۲ درصد افزایش نشان می‌دهد. اما بازارهای مالی به روایت صندوق بین‌المللی پول امیدوارکننده و رو به بهبود است چرا که قیمت سهام در اقتصادهای نوظهور آسیا، امریکای لاتین و ایالات متحده به سطوح پیش از بحران بازگشته، هر چند بازار سهام در اروپا به دلیل وضعیت دولت‌های بحران‌زده قاره سبز کندتر است، قدرت وام‌دهی بانک‌ها در اقتصادهای پیشرفته، از جمله اروپا، بیشتر برای بنگاه‌های کوچک یا متوسط بتدریج افزایش می‌یابد.

صندوق در گزارش خود تأکید می‌کند: اگر چه در کشورهای پیشرفته، سرمایه‌گذاری به روند طبیعی برمی‌گردد و تولید صنعتی فاصله کمی با ظرفیت بالقوه دارد، تقاضا به دلیل بیکاری بالا و کاهش مخارج، ضعیف است و به همین دلیل، رشد اقتصادی به‌کندی پیش می‌رود. از سوی دیگر، در امریکای لاتین و آسیا و کشورهای فقیر زیر صحرای افریقا روند بهبود به روزهای پیش از بحران بازگشته و حرکت خوبی دارد، اما درباره افق اقتصادی خاورمیانه هنوز نمی‌توان با اطمینان برآورد مشخصی ارائه کرد، چرا که کشورهای منطقه شرایط بسیار متفاوتی دارند.

ارزیابی ۱۹۰ تشکل اقتصادی از محیط کسب‌وکار

محیط کسب‌وکار چیست؟

موضوع «محیط کسب‌وکار» اخیراً مورد توجه محافل اقتصادی و سیاست‌گذار کشور واقع شده است. منظور از محیط کسب‌وکار، عوامل مؤثر بر عملکرد بنگاه‌های اقتصادی است که مدیران یا مالکان بنگاه‌ها نمی‌توانند آنها را تغییر دهند یا بهبود بخشند. در تعریفی دیگر گفته شده است که محیط کسب‌وکار مجموعه‌ای از سیاست‌ها، شرایط حقوقی، نهادی و مقرراتی است که بر فعالیت‌های کسب‌وکار حاکم است. ثبات اقتصاد کلان، کیفیت زیرساخت‌های کشور، کیفیت دستگاه‌های اجرایی، نظام وضع قوانین و مقررات، هزینه و امکان دسترسی به اطلاعات و آمار، فرهنگ کار و... از جمله عواملی هستند که عملکرد واحدهای اقتصادی (قیمت تمام‌شده، سودآوری و رقابت‌پذیری) را تحت تأثیر قرار می‌دهند، در حالی‌که مدیران واحدهای اقتصادی نمی‌توانند تأثیر چندانی بر آنها بگذارند.

محیط کسب‌وکار نامناسب، هزینه عملکرد بنگاه‌های اقتصادی را افزایش می‌دهد و باعث از بین رفتن انگیزه سرمایه‌گذاری و نیز عقب ماندن تولیدکنندگان کشور از رقبای جهانی می‌شود. بهبود محیط کسب‌وکار و رابطه آن با توسعه اقتصادی از اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی و در پی مطالعات هرماندو دسوتو، اقتصاددان پرویی، مورد توجه قرار گرفت. دسوتو در تحقیقات خود به همراه یک تیم تحقیقاتی بالغ بر ۱۰۰ کارشناس حقوق، مدیریت و اقتصاد، دریافت که موانع سخت و دیوان‌سالاری اداری در کشورهای مختلف باعث تبدیل بخش خصوصی به بخش زیرزمینی، غیررسمی و غیرمولد شده و توسعه اقتصادی کشورها را با مشکل مواجه کرده است. در پی تحقیقات دسوتو، مؤسسات گوناگون بین‌المللی تحقیقات مستمر و نسبتاً دقیقی برای شناسایی موانع تولید و سرمایه‌گذاری انجام داده‌اند و «بهبود محیط کسب‌وکار» به عنوان یکی از راهبردهای و توسعه اقتصادی، مورد توجه قرار گرفته است.

امروزه چندین مؤسسه بین‌المللی، محیط کسب‌وکار در کشورهای مختلف را بررسی می‌کنند و کشورها را از نظر مؤلفه‌های مختلف محیط کسب‌وکار، رتبه‌بندی می‌کنند. از مشهورترین آنها می‌توان به بانک جهانی، مجمع جهانی اقتصاد، بنیاد هریتیج و واحد اطلاعات اقتصادی مجله اکونومیست اشاره کرد. در این گزارش‌ها - که تقریباً هر سال منتشر می‌شوند - سعی بر این است که وضعیت کسب‌وکار در کشورهای مختلف بر اساس شاخص‌های کمی به تصویر درآید تا قابلیت مقایسه کشورها با یکدیگر فراهم شود و پیشنهادهایی نیز به منظور اصلاح محیط کسب‌وکار کشورها ارائه شود.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

۱۹۰ تشکل اقتصادی رسمی کشور در پاییز ۱۳۸۹، مجموعاً مؤلفه‌های محیط کسب‌وکار در ایران را ۶/۶۵ از ۱۰ ارزیابی کرده‌اند، در این ارزیابی‌ها، ۱۰ بدترین نمره و ۱ بهترین نمره بوده است که این ارزیابی نسبت به ارزیابی تابستان ۱۳۸۹ بهبود ناچیزی در وضعیت ۲۲ مؤلفه محیط کسب‌وکار در ایران نشان می‌دهد. بدترین ارزیابی را تشکل‌های اقتصادی استان آذربایجان غربی و بهترین ارزیابی را تشکل‌های اقتصادی استان مرکزی ارائه کرده‌اند. از میان سه بخش خدمات، صنایع و معادن و کشاورزی، در مجموع، تشکل‌های بخش کشاورزی ارزیابی بهتر و تشکل‌های بخش خدمات ارزیابی بدتری از مؤلفه‌های محیط کسب‌وکار در ایران در پاییز ۱۳۸۹ ارائه کرده‌اند. تشکل‌های صنعتی، کشاورزی و خدماتی مشارکت‌کننده در این مطالعه، مشکل «دریافت تسهیلات از بانک‌ها» را مانند تابستان ۱۳۸۹ همچنان به عنوان مهم‌ترین مشکل اداره بنگاه‌ها در ایران ارزیابی کرده‌اند.

بعد از مشکل دریافت تسهیلات بانکی «نرخ بالای بیمه اجباری نیروی انسانی»، «ضعف بازار سرمایه در تأمین مالی تولید و نرخ بالای تأمین سرمایه از بازار غیررسمی» و «زیاد بودن تعطیلات رسمی» از دیگر مواردی است که در پاییز ۱۳۸۹ در صدر فهرست مشکلات فعالان کسب‌وکار قرار دارد. در پاییز ۱۳۸۹ «مشکلات قانونی برای تأمین و اداره نیروی انسانی»، همچنان مشکل حاد ارزیابی شده و وضعیت «زیاد بودن تعطیلات رسمی» نسبت به تابستان ۱۳۸۹ بسیار بدتر ارزیابی شده است. تشکل‌های اقتصادی مشارکت‌کننده در این مطالعه، مؤلفه‌های «زیرساخت‌های تأمین برق»، «نظام توزیع» و «تمایل مردم به خرید کالاهای خارجی و تقاضا برای محصولات مشابه ایرانی» را در پاییز ۱۳۸۹ به نسبت، بهتر از بقیه مؤلفه‌ها ارزیابی کرده‌اند.

نتایج ارزیابی عملکرد دستگاه‌ها و سازمان‌های مؤثر در اداره بنگاه‌ها در پاییز ۱۳۸۹ نشان می‌دهد، در مجموع، از نظر ۱۹۰ تشکل اقتصادی مشارکت‌کننده در این مطالعه، «اداره ثبت شرکت‌ها» و «اداره استاندارد» بهترین عملکرد و «سازمان امور مالیاتی»، «سازمان تأمین اجتماعی» و «بانک‌های دولتی» بدترین عملکرد را در دوره مورد بررسی داشته‌اند.

از میان ۲۰ دستگاه مؤثر در اداره بنگاه‌ها، تشکل‌های اقتصادی بخش صنعت و معدن از عملکرد «وزارت صنایع و معادن» بیشترین و از عملکرد «سازمان تأمین اجتماعی» کمترین رضایت را اظهار کرده‌اند. تشکل‌های بخش کشاورزی و خدمات مشابه از عملکرد «اداره ثبت شرکت‌ها» بیشترین رضایت را داشته‌اند و به ترتیب، به عملکرد «سازمان تعزیرات حکومتی» و «سازمان تأمین اجتماعی» کمترین نمره را داده‌اند.